

هشت پرسش از رهبر انقلاب

در آغاز انقلاب اسلامی، این انقلاب ادعاهایی داشت، در حال حاضر بعد از گذشت حدود بیست سال، جقدر به آن ادعاها رسیده ایم؟

این سؤال مهمی است. این انقلاب بیش از ادعا، «آرمان» هایی داشت. انقلاب نیامده بود که برای مردم ایران پاسخگویی کند. انقلاب، انقلاب خود مردم بود. مردم برای تحقق آرمان هایی انقلاب کردند. این آرمان ها عبارت بود از ساختن یک ایران آباد و آزاد، داشتن مردم آگاه و برخوردار از عدالت اجتماعی، نجات از وابستگی و عقب ماندگی علمی و استبداد قهری که آن روز بر این مملکت حکمفرما بود. می رسید ما چقدر به این اهداف رسیده ایم؟ من عرض می کنم که تحقق این اهداف، تدریجی است؛ چیزهایی است که باید برای آن تلاش و مجاهدت کرد و قدم به قدم پیش رفت. نظام اسلامی، یک نظام پیش ساخته - مثل خانه های پیش ساخته - نیست؛ نظامی است که باید آجر آجر و سنگ سنگ روی هم چید و آن را بالا برد. در انشای این کار، طبیعی است که مشکلاتی پیش بیاید... بنابراین در این راه، مشکلات فراوانی وجود دارد. کمبود مصالح، رفیق نیمه راه و آدم های طمع و قدرت طلب، بخشی از این مشکلات است. ما باید این نظام را بسازیم و ذره ذره و قدم به قدم پیش برویم... البته اگر از من بپرسید که چقدر پیش رفته ایم، خواهم گفت ما زیاد پیش رفته ایم... ما پیشرفت زیادی کرده ایم؛ منتها اگر از من بپرسید که آیا به این حد فائقیم، پاسخ من این است: باید! (۷۹/۱۲/۲۲، دانشگاه امیر کبیر)

آیا نهادها و دستگاه های مربوط به رهبری تحت نظارت و بازرسی هستند یا فوق نظارتند؟ آیا نمایندگان شما در نهادها و استان ها نظارت می شوند؟

خود رهبری هم فوق نظارت نیست؛ چه برسد به دستگاه های مرتبط با رهبری. بنابراین همه باید نظارت شوند. نظارت بر کسانی که حکومت می کنند... برای این که امانت به خرج دهند و سوءاستفاده نکنند و نفس شان طغیان نکند، یک کار لازم و واجب است و باید هم باشد... بنابراین چنین نیست که دستگاه های مربوط به رهبری از نظارت معاف باشند؛ نه، به نظر ما بازرسی ها لازم است. البته الان هم هستند و نظارت هم میشوند. البته معنای این حرف این نیست که هیچ خطایی اتفاق نمی افتد؛ اما بنابر مسامحه کردن و اجازه خطا دادن نیست. (۷۹/۱۲/۹، دانشگاه امیر کبیر)

در شرایط امروز، مجلس خبرگان سالی دو بار جلسه می گذارد و بیشتر به دادن بیانه ی اکتفای کند. آیا با این رویه، مجلس خبرگان می تواند نظارتی روی ولی فقیه داشته باشد؟

مجلس خبرگان یک هیأت تحقیقی دارد؛ مسؤول رسیدگی به کارهای رهبری، آن هیأت تحقیق است. کار آن هیأت سالی یک بار نیست؛ آنها کار خودشان را می کنند، کار رهبری هم جلو چشم همه است... آن هیأت می آید، تحقیق و پرس و جو می کند. پشت سر هیأت تحقیق، مجلس خبرگان است که این هیأت می رود به آنها گزارش می دهد. پشت سر مجلس خبرگان هم مردم هستند. نظارت هم باید جدی و بدون رودربایستی باشد. این نظر خود من است و بارها هم به اعضای خبرگان و غیر خبرگان و دیگران این را گفته ام. من نظارت را دوست می دارم و از گریز از نظارت - اگر در کسی و در جایی باشد - به شدت گله مندم. (۷۹/۱۲/۲۲، دانشگاه امیر کبیر)

آیا محروم شدن شهروندان از حق طبیعی انتخاب شدن به وسیله ی نظارت استصوابی، باعث بی اعتماد شدن مردم به پایه های نظام نمی شود؟

این نظارت شورای نگهبان، طبق قانون و متکی به قانون اساسی است... این نظارت هم برای شهروندان عادی و معمولی نیست؛ این برای آن است که یک آدم نابال، یک آدم مضر و یک آدم بد، به این مرکز حساس وارد نشود. نظارت استصوابی برای همین است که جلو آدم هایی که بر طبق قوانین کشور، صلاحیت آمدن به این منصب حساس را ندارند - چه مجلس، چه ریاست جمهوری و چه در بقیه جاهایی که این نظارت وجود دارد؛ مثل مجلس خبرگان و دیگر جاها - گرفته شود و اینها نتوانند وارد این مراکز حساس شوند. نظارت استصوابی چیز خوبی است؛ چیز بدی نیست. آنهایی که انتقاد می کنند و ایرادی گیرند، ادعایشان این است که شورای نگهبان رد و قبولش بر اساس گرایش های سیاسی است. البته این واقعیت ندارد. حال ممکن است کسی یک وقت یک جایی را درست نفهمد و غلط بفهمد که آن بحث دیگری است؛ اما مبنا، مبنای قانونی است. (۷۸/۹/۱، دانشگاه شریف)

آیا اقدامات قوای سه گانه در مورد پیام هشت ماده ای حضرت عالی در خصوص «مبارزه با مفساد اقتصادی»، راضی کننده است؟

من خصوصی به شما عرض می کنم: نه! واقعاً من از آنچه اتفاق افتاده، راضی باشم؟ نه، کمتر از آن حدی است که بنده را خشنود و راضی کند؛ اما انصافاً تلاش کردند. در جلسهای که اخیراً با مسؤولان قوای سه گانه داشتیم، به آنها گفتم دو سال گذشت. قوه قضائیه و قوه مجریه گزارش فعالیت های خود را آوردند. حجم فعالیت ها خوب است - در این نمی شود تردیدی داشت - ستادی هم تشکیل داده اند که نسبتاً فعال است؛ لیکن آن مقداری که بنده را راضی کند، نیست. (۸۲/۲/۲۲، دانشگاه شهید بهشتی)



آیا دانشجو باید در مقابل بی عدالتی ها و عدم مساوات، همچنان ساکت و بی تفاوت باشد یا خیر؟

در باره این موضوع صحبت کردیم. بنده معتقد به این نیستم که دانشجویان باید سکوت کنند و هیچ حرفی نزنند؛ به این هم معتقد نیستم که دانشجویان باید از خودشان در وسط میدان «تحرک عملی» نشان دهند؛ بلکه معتقدم دانشجو در زمینه عدالت خواهی باید اصل قضیه را مطالبه کند: جاسانداختن فکر عدالت خواهی در ذهن مردم، در ذهن خانواده ها و در ذهن هر کسی که در حوزه ی کار او قرار می گیرد. (۸۲/۲/۲۲، دانشگاه شهید بهشتی)

نهاد قوه قضائیه با همه زحماتی که می کشد، دچار مشکلات فراوانی است. قاضی به شدت در حال خراب شدن است و نظارت کافی و لازم بر اجرای قوه قضائیه نمی شود.

البته قوه قضائیه محسّناتی هم دارد؛ کارهای خوبی هم در آن شده؛ ممکن است عیوبی هم داشته باشد. آنچه بنده می توانم عرض کنم، این است که قوه قضائیه رو به پیشرفت است؛ این چیزی است که بنده می فهمم و واقع قضیه هم همین است. معیار و ملاک باید این باشد. خیلی از کارها تدریجی انجام می گیرد؛ اما آنچه مهم است این است که انسان باید احساس کند این جریان به سمت جلو حرکت می کند. البته گاهی کم شتاب است، که باید پر شتاب ترش کرد؛ اما آنچه باید مورد اعتراض قرار گیرد - اگر هست - سکوت، رکون، نرفتن به سمت جلو و یا - خدای نکرده - رفتن به سمت عقب است. بنده این را در قوه قضائیه احساس نمی کنم؛ بنده حرکت به جلو را به طور روشن حس می کنم. البته بلاشک عیوبی هم وجود دارد؛ همان طور که در خیلی جاهای دیگر هم هست؛ در خود ما هم وجود دارد. (۸۲/۲/۲۲، دانشگاه شهید بهشتی)

با این که شما از اوضاع مملکت خیر دارید و وضع مردم را خوب درک می کنید، ولی چرا کاری انجام نمی دهید؟ اگر مسؤولان گوش نمی کنند، چرا با آنها برخورد نمی کنید و افراد لایق و قابل اعتماد و دلسوز برای ملت را جایگزین آنها نمی کنید؟

این که چرا من افرادی را نمی گمارم؛ پاسخ این است که طبق قانون عمل می کنم. گماشتن افراد، به عهده ی رهبری نیست. مهم ترین و بیشترین بخش های کشور، بخش هایی هستند که مسؤولیت گماشتن افراد در رأس آنها با رهبری نیست. طبق قانون، روالی وجود دارد؛ باید آن روال عمل شود. اعتراض به آنها هم، باز روال قانونی دارد که اگر مسؤولی کم کاری داشت و این ثابت شد، چگونه باید با او برخورد کرد... مسائل کشور هم این گونه ساده و یکدست و قابل اندازه گیری با یک نگاه نیست که ما بگوییم فلان مسؤول توانست، یا فلان مسؤول نتوانست... آن جایی که شما می بینید بنده به کسی اعتراضی می کنم، هنگامی است که جمع بندی همه جانبه ای نسبت به آن کار صورت گرفته؛ و الاّ این طور نیست که انسان بتواند از دور نسبت به کار مسؤولی، ارزیابی ای کند و او را محکوم یا تأیید نماید. (۷۹/۱۲/۲۲، دانشگاه امیر کبیر)

(۱۴) برای بهره برداری سیاسی از دانشجویان در مواقع نیاز، معتقدند اساساً چه نیازی است که دانشگاه و دانشجو، وارد مسائل سیاسی شوند و در باره ی آن تحلیل داشته باشند. اما رهبر انقلاب صریحاً به نقد این دیدگاه برخاسته و چندین بار نسبت به آن هشدار دادند: «من سال ها پیش در همین حسینیه، یک جمله ای گفتم که آن وقت بعضی از مسئولان هم گله مند شدند. آن جمله راجع به تحرک سیاسی دانشجویان در دانشگاه ها بود؛ این لازم است... این جوان را ما برای فردای اداری کشور لازم داریم. این باید سیاست را بفهمد؛ مغزش در زمینه ی سیاست، مغز یخته و کار آمدی باشد؛ والاّ فریبش می دهند و زمینش می زنند... قدرت تحلیل که نبود، انسان فریب تحلیل فریبگر بیگانه را می خورد. در دنیای سیاست هیچ کسی صریحاً نمی آید بگوید که من می خواهم به تو ظلم کنم؛ نه به یک ملت، نه به یک شخص؛ این طور که نمی گویند. می آیند با «مغالطه های سیاسی» کاری می کنند که بتوانند بر او تسلط پیدا کنند... ما باید کاری کنیم که این جوان ما بتواند مغالطه را بشناسد... قدرت تحلیل سیاسی این است؛ بایستی این را در جوان به وجود آورد.» (۸۵/۵/۲۳ برای همین رهبر انقلاب، اصطلاح «بیداری دانشجویی» را در اوایل دهه ی هفتاد خلق کردند و فرمودند: «دانشجویان! بیدار بمانید... دانشجویی که اصلاً نفهمد در دنیا چه می گذرد، این دانشجو، دانشجوی زمان خودش نیست؛ مرد زمان خودش نیست.» (۷۲/۸/۱۲)

چهارم. دانشگاه "باشگاه احزاب" نیست، دانشگاه هم نه محلی برای "سیاست بازی"، که جولانگاه "سیاست ورزی" است. برای اینکه جنبش دانشجویی نیز آلت دست جریان ها و گروه های سیاسی قرار نگیرد، ناچار است که دارای "تحلیل سیاسی" درست و همه جانبه باشد. به همین علت هم رهبر انقلاب، در بحبوحه ی آشوب های بعد از انتخابات ۸۸، اصطلاح "افسران جنگ نرم" را به کار بردند. «در این جنگ نرم، شما جوان های دانشجو، افسران جوان این جبهه اید. نگفتم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، باید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده می گوید، عمل کند. نگفتم هم فرماندهان طراح قرارگاه ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحی های کلان را می کنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل می کند، هم صحنه را درست می بینید؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است.» (۸۸/۶/۱۸ باری، این روزها که در معرض بمباران اطلاعات درست و نادرست قرار گرفته ایم، چاره ای نداریم جز بالا بردن قدرت تحلیل سیاسی. وظیفه ی جنبش دانشجویی هم در مرتبه ی اول، افزایش سطح تحلیل سیاسی خود است و در مرتبه ی دوم، همه ی افراد جامعه. که اگر این شد، آن وقت است که می توان در محقق شدن زودتر افق ها و آرمان های انقلاب، امیدوار شد. ●